

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده : جاوید
۰۱ جون ۲۰۱۹

(فقط جانانه می داند)

فقط سوز دلم را در جهان پروانه می داند غم را بلبلی کاواره شد از لانه می داند
نگریم چون ز غیرت، غیر می سوزد به حال من ننالسم چون ز غم، یارم مرا بیگانه می داند
به امیدی نشستم شکوه خود را به دل گفتم همی خندد به من، این هم مرا دیوانه می داند
به جان او که دردش را هم، از جان دوست تر دارم ولی می میرم از این غم، که داند یا نمی داند؟
نمی داند کسی کاندلر سر زلفش چه خونها شد ولیکن موبه مو، این داستان را شانه می داند
نصیحتگر، چه می پرسی علاج جان بیمارم؟ اصول این طبابت را، فقط جانانه می داند

ستانبول، سپتمبر ۱۹۱۸